

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

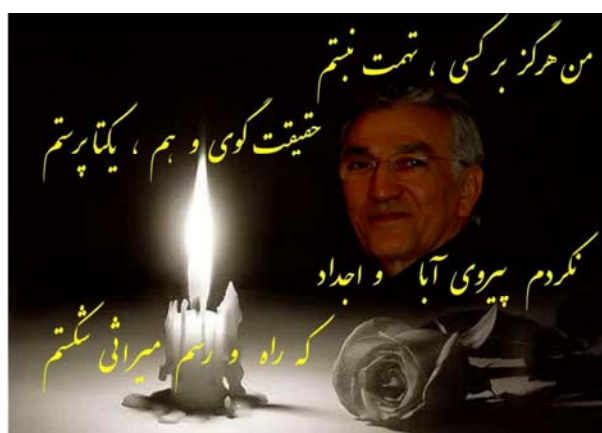
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۲۰ فبروری ۲۰۲۰



تلوار غریبان

هردم، مرا با دیگران، بینی هراسان میشوی
الفت اگر گیرم به تو، ناز خود افزون می کنی
ما را نه تیرو نه کمان، نه صید و نه صیاد دل
بر شمع بزم این و آن، پروانه سان سوزی ولی
اسامی خوبان اگر، آرم به اشعار ترم
بین دو سنگ آسیا، چون گندمم انداخته
گه دل به دریا ها زنی، در سایه گه پنهان شوی
در عمق چشمانم چرا؟ گوئی که مانم تا ابد
پیغامهای عاشقی، با دیگران، رد و بدل
دیگر نیارم نام تو بر خامه اشعار خود
خواهی که با نام غلط، هم رزم و هم بزم شوی
منظور من دیوار بود، اما بیان کردم به در
ای در! ببخشا از گرم، «نعمت» مزاحم گر شدی
خشمین و قهرین و غضب، چون رعد و طوفان میشوی
خاموش مانم اندکی، از من گریزان میشوی
اما به قتل عاشقان، صادر، چو فرمان میشوی
بر چشم ما بیچارگان، خار مگیلان میشوی
بر حنجرم چون خنجر و تلوار غریبان میشوی
خرد و خمیرم کرده و دست و گریبان میشوی
فرمان کج دار و ولی، هرگز مریزان میشوی
دائم به اندک فرصتی، فوراً پشیمان میشوی
نوبت به ما گرمیرسد، عامل به قرآن میشوی
آن راه تو، این راه من، تا مشکل آسان میشوی
من مستعاری نیستم، از حق چه پنهان میشوی
تا کس نداند نام این عشقی که قربان میشوی
دیوار بی تهداب را، گر گچ و سیمان میشوی